

ملکات نفس

پرزنی که از شام دو شب خود نانی ذخیره و با آن فقرار اطعام می کند با ثروتمندی که ده ها برابر این مقدار را بدون هیچ زحمتی می بخشد، برابرند؟ به قول قرآن «بَلْ یَسْتَوُونَ؟» قطعاً نه! آن پرزن با این کار، پله ها به سمت خدا پرواز کرد و آن ثروتمند...

ارزش هر کاری به ارزش ماست، اینکه کار را با چه ملکه ای از ملکات وجودمان انجام دهیم. بینیم با هر کاری چه ارزشی را در درونمان تقویت می کنیم که در آخرت، همه ما را فقط به این ارزش های شناسند. نکند درندگی، حسادت و کینه ما تقویت شود که عاقبت، وجودمان و صورتمان حیوانی درنده شود و... نکند حین طواف خانه خدا، امام زمان مان پرده ها را کنار زند و مشتکی حیوان بیند که فقط گرد خانه خدای چرخند... (همانند داستان امام سجاد (ع)).

ملکات وجودیمان را بدیم دست خدا که **مَالِكِ الْمَلِكِ تُؤْتِي الْمَلِكَ مَنْ تَشَاءُ...**
«برای الهی کربلا پرده ها کنار رفته بود و اصحاب خودشان را دیده بودند و همه خوشحال می گفتند: اگر

قرار باشد هزاران بار هم تکه تکه شویم، می ارزد ارباب!»

الهی درنگ، هر کس را کربلایی است...

